



ویژه مبارزه علیه جی هشت
تیر ۱۳۸۶

نشریه دانشجویی بذر

همکاران این شماره: افشین کوشا، نسیم عصیان، برناک جوان

www.bazr۱۳۸۴.com

Email: bazr۱۳۸۴@gmail.com

■ نو در مقابل کهنه (در حاشیه نشست سران هشت کشور صنعتی در روستوک) صفحه ۳



■ یک مبارزه مهم بین المللی
صفحه ۲



■ از سنگرهای روستوک
گزارشی از یک مبارزه بین المللی صفحه ۱۰



■ مشاهدات؛ ویژگی ها!
گزارشی از روستوک صفحه ۵

■ بیانیه پائولا صفحه ۱۵

■ جهان از نگاه آمار صفحه ۷

یک مبارزه مهم بین المللی



روزهای دوم تا هشتم ژوئن امسال، شهر روستوک در آلمان شاهد مبارزه ای مهم علیه نشست سران هشت کشور صنعتی بود. از مدتها قبل توسط نیروهای مترقی و ضد سرمایه داری در آلمان و دیگر کشورهای اروپایی برای این مبارزه تدارک دیده شد. هزاران اعلامیه تبلیغی در سراسر آلمان پخش شد. صدها تظاهرات و آکسیون در گوشه و کنار آلمان علیه این نشست سازماندهی شد.

مبارزه علیه سران هشت کشور صنعتی یکی از مهمترین جنبش های توده ای سیاسی ضد سرمایه داری در کشورهای امپریالیستی است. بیش از یک دهه است که این مبارزه براه افتاده است.

این جنبش پاسخی است به فجایعی که نظام سرمایه داری طی دو دهه اخیر تحت عنوان گلوبالیزاسیون بیار آورده است. برای نخستین بار در انتهای قرن بیستم جنبشی در کشورهای امپریالیستی شکل گرفته که مسئله اصلیش عمدتاً مسائل مربوط به کل جهان بویژه فقر و محنت مردم جهان سوم است.

محرك اصلی این مبارزه مقابله جویی با سیاست جهانی سازی نئولیبرالیستی است. سیاست های نئولیبرالیستی که هم موجب تهیدستی اکثریت مردم جهان شده و هم به شدت به محیط زیست جهانی آسیب رسانده است. غالباً نهادهایی چون سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول، بانک جهانی و نشست سالانه سران هشت کشور صنعتی آماج اصلی این مبارزه می باشند. این مبارزه جهانی که نیروی اصلیش را جوانان مترقی و ضد سرمایه داری کشورهای امپریالیستی تشکیل می دهند، در واقع اعتراضی است به عملکرد زیان آور سرمایه داری در جهت نابودی محیط زیست و تهیدستی اکثریت مردم جهان. اعتراضی است به عملکرد نظام سرمایه داری جهانی که موجب آن می شود که کشورهای فقیر جهان همواره بدهکار بمانند و فاصله بین غنی و فقیر در هر کشور و بین کشورها در سطح جهانی هر روزه زیادتر شود، عملکردی که باعث می شود ما هر روز شاهد مرگ هزاران کودک بی گناه در آفریقا و دیگر کشورهای فقیر جهان باشیم.

نیروهای مترقی از سراسر جهان هر ساله گرد هم می آیند تا در مبارزه علیه نشست سران هشت کشور صنعتی شرکت کنند و نسبت به این فجایع اعتراض کنند و صدای اعتراض شان را به گوش مردم جهان برسانند.

یکی از ویژگی مهم جنبش ضد جی هشت رنگارنگ بودن آن است. در این مبارزات طیف های مختلف سیاسی از چپ های رفرمیست تا طرفداران محیط زیست از چپهای رادیکال تا آنارشئیستها، از فمینیستها تا مدافعین حقوق پناهندگی همگی در این مبارزه شرکت می کنند و متحدانه این مبارزه را به پیش می برند. برخی از این نیروها فکر می کنند با اصلاح نظام سرمایه داری می توانند قدری از رنج و محنت مردم بکاهند و برخی دیگر کلاً خواهان جهان دیگری هستند. مبارزه علیه جی ۸ بسترناسبی است برای برخورد میان عقاید و راه حل های مختلف. این مبارزه زمینه مساعدی را فراهم می آورد تا نظرات مختلف طرح شود، مردم بر سر آنها به بحث پردازند و بر هم تاثیر مثبت گذارند.

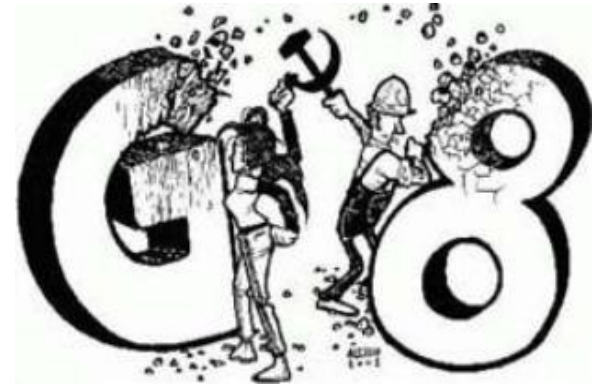
ما برای آشنایی خوانندگان نشریه بذر با این مبارزه مهم، شماره ویژه ای را به این موضوع اختصاص داده ایم. گزارشات دست اولی را که برخی جوانان ایرانی شرکت کننده در این مبارزه برای ما ارسال داشته اند در این ویژه نامه درج می کنیم تا جوانان و دانشجویان ایرانی با این جنبش ضد سرمایه داری آشنا شوند. بدون شک مضمون سیاسی این مبارزه، ابتکار عمل های تبلیغی متنوعی که در این مبارزه بکار گرفته شد. اشکال مختلف مبارزاتی و فرمهای گوناگون سازماندهی که اتخاذ شد و فضای سیاسی سالمی که برای برخورد میان عقاید و نظرات مختلف ایجاد شد، جملگی برای جوانان و جنبش دانشجویی ایران می تواند درس آموز باشد. ■

دست اندرکاران نشریه دانشجویی بذر



نو در مقابل کهنه

در حاشیه نشست سران هشت کشور صنعتی در روستوک



نسیم عصیان

ملاقات سران هشت کشور صنعتی جهان در واقع نمایشی سمبلیک از قدرت جهانی سرمایه داری و سیاست های نئولیبرال کنونی است. این ملاقات برای تحکیم این سیستم جهانی و هماهنگی میان قدرتهای حاکم بر آن است. عملا از زمانی که جنبش ضد جی هشت (۱) براه افتاده است. این نمایش به نمادی از بزدلی این قدرتها و اعمال خشونت از جانب آنان علیه مردم بدل گشته است. امری که بیش از هر زمان دیگری ماهیت واقعی دموکراسی بورژوازی آنان را برملا می کند.

تاریخچه این نشست به بحران حاصل از انرژی در ارتباط با جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳ بر می گردد. (۲) پس از آن بحران برای اولین بار کنفرانس سران کشورهای صنعتی در سال ۱۹۷۵ با شرکت شش کشور آمریکا، ژاپن، آلمان غربی، فرانسه، انگلیس و ایتالیا تشکیل شد تا سیاست واحدی را در مقابله با بایکوت نفتی کشورهای تولید کننده نفت یعنی اوپک اتخاذ نماید. در سال ۱۹۷۶ با اضافه شدن کانادا و شرکت روسیه در سال ۱۹۹۱ به عنوان عضو ناظر، گروه جی هشت شکل امروزی خود را یافت.

از نظر مردم جهان این کنفرانس فاقد هر گونه مشروعیتی است. با وجود این، سران این هشت کشور به مثابه اربابان جهان ظاهر می شوند و علی رغم اینکه جمعیت این هشت کشور امپریالیستی ۱۳ درصد جمعیت جهان است، درباره سرنوشت ۶ میلیارد انسان کره خاکی تصمیم گیری می کنند. (۳)

ملاقات سالیانه سران هشت کشور هدفش ایجاد یک حکومت جهانی نیست. بلکه تداوم و تحکیم نظم نئولیبرال سرمایه دارانه با توجه به منافع تک تک دولتهای شرکت کننده است. امر مشترک این دولتها حفظ نهادهای پایه ای قدرت اقتصادی سیاسی شان است. نهادهای قدرتی مانند بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، سازمان تجارت جهانی، پیمان ناتو و بازار مشترک اروپا که نقش مهمی در استثمار مردم جهان دارند. نهادهایی که امروزه نقش بزرگی در برقراری نظم جهانی نوین دارند. البته این کنفرانس محلی برای پیشبرد رقابتهای و تنظیم مناسبات میان این قدرتها هم هست. مارکس زمانی در تعریف از مناسبات بین سرمایه

داران گفت آنها انجمن اخوت دزدان هستند. کنفرانس سران هشت کشوری نیز انجمن اخوت دزدانی هست که مدام چشم بر جیب یکدیگر و سفره نان مردم دنیا دارند.

نشست سران هشت کشور که از سال ۱۹۹۰ به طور مرتب انجام می گیرد در ابتدا اعتراضی را در مقابل خود برنیانگیخت. اما هشت سال پیش در بیرمنگام انگلیس حدود ۴۰۰ گروه اجتماعی مختلف از مردم جهان فعالیشان را علیه این ملاقات های سالیانه هماهنگ کرده و تحت نام "اکسیون های جهانی مردم" موفق شدند بیش از ۵۰۰۰ نفر از اقصا نقاط جهان را علیه شبکه "جهانی سازی از بالا" سازماندهی کنند.

مبارزه علیه ملاقات سران هشت کشور صنعتی در واقع حول بی اعتبار کردن سیاست های جهانی این سران تحت شعار "این قدرتها اعتبار ندارند" شکل گرفت و در عمل تحت این جنبش فعالیت خود را گسترده تر کرد. و به یکی از مهمترین جنبشهای توده ای ضد سرمایه داری بویژه در کشورهای امپریالیستی بدل شد.



این جنبش در واقع عکس العملی به نتایج فاجعه آمیز گلوبالیزاسیون است که مدام بر فقر و فلاکت مردم در سراسر جهان افزود. جریانات شرکت کننده در این مبارزه بسیار متنوع اند. این جنبش هر سال شکل تازه ای به خود می گیرد. و دامنه آن گسترش می یابد. و مدام بر ابتکار عملهای توده ای معترضین در مقابل وحشیگری ارگانهای سرکوب نظام سرمایه داری افزوده می شود.

اوج این جنبش در سال ۲۰۰۱ در شهر جنوا (ایتالیا) بود. بیش از ۳۰۰ هزار نفر در اعتراض به اجلاس سران هشت کشور شرکت کردند. در این تظاهرات "جولیانای" جوان ۲۳ ساله توسط گلوله پلیس ایتالیا کشته شد. پلیس با هجوم به خوابگاه های معترضین به سرکوب وحشیانه تظاهرکنندگان دست زد. مبارزات مردم در جنوا فصلی تازه و خونین در این جنبش جهانی گشود.

پس از جنوا، سران هشت کشور مجبور به عقب نشینی از مراکز شهری شدند و از آن پس ناچارند نشست های خود را در هتل های لوکس و دور افتاده، پشت سیم های خاردار و با محافظت هزاران پلیس و پوشش امنیتی برگزار کنند. حالا دیگر حکومت کنندگان مجبورند در برابر شهروندانی خود را مخفی کنند که مدعی اند منتخب آنان هستند.

اغلب شرکت کنندگان در این اعتراضات، علیه وضع موجود و نظام سرمایه داری هستند و می دانند که جهان آینده نتیجه مستقیم مبارزات اجتماعی است.

همانگونه که جامعه کنونی نتیجه مبارزات طبقاتی اجتماعی گذشته است. این مبارزات نیز تأثیرش را بر آینده کل بشر خواهد گذاشت.



هر ساله این نشست فرصتی طلایی برای مخالفین نظم کنونی جهان بوجود می آورد تا خشم خود را نسبت به وضع موجود در جهان به مردم دنیا اعلان دارند. قدرت سران را به تمسخر گیرند، در کارشان اخلال بوجود آورند و پیام آور دنیای دیگری باشند. البته میزان تجمع مخالفین در مقابل

امسال نیز با حضور بیش از ۲۰۰۰۰ پلیس و نیروی امنیتی برای حفاظت از اجلاس در کنار کلیه تمهیدات حفاظتی و امنیتی بیش از ۸۰۰۰۰ نفر در تظاهرات روز اول شرکت کردند. این تظاهراتها به اشکال مختلف طی روزهای بعد نیز ادامه یافت. روستوک شاهد یک هفته نبرد شجاعانه بود. کوچه و پس کوچه های رستوک و مزارع اطراف آن شاهد تلاش هزاران جوان مبارز بود که می خواستند هر طور شده مسیر سران هشت کشور را بلوک کنند و ضعف این سران را به چشم جهانیان پدیدار کنند. آنها خود را در چهار چوب ممکن ها اسیر نکردند. غیر ممکنها را طلب کردند. توانایی ها، کارایی های خود را بکار بردند تا عملی مشترک سازمان دهند. اتحاد و رزمندگی این جوانان برجسته بود. عزمشان جزم بود و جملگی دنیای دیگری را طلب می کردند. آنان با مبارزه خود یک بار دیگر نشان دادند که این سران هیچ مشروعیتی در نزد مردم جهان ندارند و فقط منافع مشتی اقلیت مفتخور و استثمارگر را نمایندگی می کنند. هر چند هنوز قدرت سیاسی اقتصادی و نظامی جهان را در دست خود دارند اما نمی توانند مانع از مبارزه کسانی شوند که معتقدند جهانی دیگر ممکنست و می دانند که فقط با مبارزه بی امان می توان بدان دست یافت. ■

۱- Anti G8

- ۲- بحران اقتصادی ناشی از تحریم نفت اعراب
- ۳- با توجه به اینکه آنان تنها با رای کم تر از ۲۰ در صد صاحبان آرا در کشورهایشان به قدرت رسیده اند، حتی بر مبنای دموکراسی صوری بورژوازی نیز فاقد هر گونه مشروعیتی حتی در کشورهای خود می باشند.
- ۴- شعار "آنتی کاپیتالیسم" و "سرمایه داری را به تاریخ بسپاریم" شعاری است که تقریباً همه گروه های شرکت کننده با آن موافق هستند. (Anti capitalism, make capitalisme history)



نشست عمدتاً وابسته به محلی است که این نشست در آن برگزار می شود. عموماً در اروپا، آمریکا و کانادا امکان سازماندهی مخالفت‌های وسیعتر راحت تر است.

امسال نیز وقتی سران هشت کشور از ۶ تا ۸ ژوئن، در شهر کوچک "هایلیگندام" در حومه شهر "روستوک" در کشور آلمان ملاقات کردند، تنها نبودند. دهها هزار نفر علیه سیاست های آنان قبل و در طی این ملاقات ها (از ۲ تا ۸ ژوئن) دست به مبارزات گسترده ای زدند.

محل اجلاس در پشت دیواری آهنی برگزار شد. دیواری به عرض ۳/۵ متر و ارتفاع ۲/۵ (که ۱ متر هم در زیر زمین امتداد داشت) که در فاصله ۱۲ کیلومتری از محل کنفرانس کشیده شده بود. این دیوار با هزینه ای نزدیک به ۱۵ میلیون یورو ساخته شد. با توجه به اینکه این محل از سمت شمال به دریا می رسید دیوار فولادی مخصوصی هم در زیر آب کشیده شد. دو ناو جنگی و دهها قایق پلیس منطقه را پوشش دریایی می داد. یک ماهواره ویژه این کنفرانس کلیه منطقه دیوار و اطراف آنرا تحت پوشش داشت. تعداد بیش از ۲۰۰۰۰ پلیس تعلیم دیده با تجهیزات کامل مسئولیت حفاظت از این اجلاس را به عهده داشتند. این دیوار از سوی نیروهای مترقی آلمانی برآستی دیوار بزدلی نام گرفت.

در حالی که سران هشت کشور در پشت این دیوار ملاقات می کردند نیروهای ضد جی هشت راههای متفاوتی را برای هدفی مشترک دنبال می کردند تا مسببین واقعی سیاست نئولیبرالی و نتایج آن (جنگ، استثمار، فقر، آلودگی محیط زیست، موج میلیونی مهاجرت و ...) را افشا کنند. این مبارزه عرصه مهمی نیز بود تا آگاهی شرکت کنندگان در این مبارزه افزایش یابد.

گروههای مختلفی که از گوشه و کنار دنیا آمده بودند در این تظاهرات شرکت داشتند. گروههای ضد سرمایه داری، ضد امپریالیست، ضد جنگ و نظامی گری، ضد انرژی هسته ای، ضد فاشیسم و راسیسم، همراه با گروههای خواهان مرزهای باز برای مهاجرت آزادانه انسان ها، طرفداران حقوق بشر، حقوق پناهندگی، اتحادیه های کارگری، گروههای آتونوم و آنارشویست (عمدتاً بصورت جوانان سیاهپوش که نام بلک بلوک را بر خود نهاده بودند)، شبکه های انتقادی علیه سیستم تا طرفداران براندازی سیستم، گروه "محلی فعالیت کن، جهانی فکر کن"، چپ های ضد پارلماناریسم، فمینیست ها، گروههای حفظ محیط زیست (تخت عنوان ادعانامه کره زمین) و ... اعلام همبستگی کردند تا در کنار هم قرار گیرند، تبادل افکار کنند و با یکدیگر حرکت کنند و در این گوناگونی یک کل سیاسی ضد نشست را بسازند.

مشاهدات؛ ویژگی ها!

گزارشی از روستوک

نسیم عصیان

من یکی از جوانان شرکت کننده در مبارزات ضد جی هشت هستم. که همراه با گروهی از ایرانیان بطور متشکل در این مبارزه شرکت کردم. تلاشم این است که در قالب مشاهداتم ویژگی های این جنبش را برای خوانندگان نشریه بذر توضیح دهم.

البته این اولین تجربه شرکت من در یک مبارزه بین المللی بود و خوشحالم که این اولین تجربه را در یک مبارزه جدی و رادیکال با حضور بیش از ۸۰۰۰۰ نفر کسب کردم و این برای ما جوانان ایرانی که کمتر در جریان تجارب نسل قبلی و همچنین تجارب نسل جوان در دیگر کشورها هستیم، اهمیت زیادی داشت.



اولین ویژگی که بیشتر از هر چیز دیگر به چشم آمد جوان بودن این جنبش است. حتی اگر روز اول وارد شهر روستوک می شدی و نمی دانستی که این تجمع برای چیست، حضور این همه جوان بیش از هر چیز دیگری جلب توجه می کرد. تقریباً متوسط سن ۷۰ تا ۸۰ در صد شرکت کنندگان در تظاهرات و آکسیونها زیر ۲۵ سال بود. البته در برخوردهای بعدی می فهمیدی که اینان از جنس جوانانی که قبلاً می شناختی نیستند و خیلی متفاوتند. جوانانی مصمم، مبارز، متحد، مسئول و البته آگاه!

تقریباً همه سازماندهندگان تظاهرات و مسئولین کمپ ها و آکسیون ها دختر و پسر جوان بودند. زمانی که وارد چادر اطلاعات کمپ می شدی تعدادی جوان می دیدی که از قبل نمی توانستی حدس بزنی که هر یک از اینها مسئولیت یک کار مهم را برعهده دارند. با گذشت زمان کمی در می یافتی که یکی مسئول بخش مهمی از تدارکات کمپ است دیگری مسئول تظاهرات و ...

در چادر کمک های اولیه، نیز با چند جوان دانشجوی پزشکی یا پرستاری روبرو می شدی که مسئول مداوای افراد بودند.

روز ۳ ژوئن که گروه ما می خواست میتینگ تحت عنوان "جنگ آمریکا در خاورمیانه" تشکیل دهد. برای گرفتن محل مناسب به مسئولین کمپ مراجعه کردیم. مسئول

اینکار پسری ۲۰-۲۲ ساله بود که بعد از دیدن مکان انتخابی ما سریع موافقت کرد. سریع هم به ما اعتماد کرد و مسئولیت کار را به خود ما که جوان بودیم واگذار کرد.

نگهبانان کمپ در شب همگی جوان بودند. وقتی که بیشتر با آنها صحبت کردیم، دیدیم اکثر آنها دانشجوی هستند و اتفاقاً دانشجویانی که برای هزینه های تحصیلاتشان شدیداً کار می کنند. یعنی فقط کارشان درس خواندن نیست.

برای من برخورد این جوانان جنبه تابو شکنی نیز داشت. درک شان از مبارزه یک امر خشک و دگم نبود. تفریح و مبارزه در کنار هم بود. گروههای موزیک و رقص فعال بودند. حتی باری بود که مشروبات ارزان قیمت ارائه می داد. که هر کسی به تناسب از آن استفاده می کرد. البته نسبت به همه اینها آگاهانه برخورد می شد. من طی این شبها نه شاهد بد مستی کسی بودم و نه شاهد ایجاد مزاحمت برای کسی.

بیشتر که مطالعه کردم، فهمیدم که این جنبش آنتی جی هشت در درجه اول یک جنبش توده ای جوانان است. بار اصلی این جنبش برعهده جوانان کشورهای پیشرفته است. نسل جدیدی که نماینده آینده هستند و می خواهند آینده را بدست خود بسازند. آنان در این راه با سد بزرگ نظام سرمایه داری روبرو هستند. به همین دلیل در صف اول مبارزات قرار دارند.

دومین ویژگی جالب برای من روحیه انترناسیونالیستی بالای شرکت کنندگان در این جنبش بود. در روستوک از همه ملیتها (آلمانی، ایتالیایی، ترک، آمریکایی، کانادایی، لبنانی، مکزیک و ایرانی ...) حضور داشتند. مهمتر از آن برای اولین بار می دیدم که این همه جوان عمدتاً اروپایی که در کشور خودشان از رفاه نسبی برخوردارند به خیابان آمده اند تا علیه فقر جهانی، استثمار جهانی، مظلوم سرمایه داری جهانی و از بین بردن محیط زیست جهانی اعتراض کنند. مسئله آنها طرح خواسته های فردی یا گروهی یا امور مربوط به کشور خودشان نبود.

همه جا می توانستی شاهد برخوردهای انترناسیونالیستی باشی. روز اول هنگام حرکت اتوبوس به سمت روستوک، در اولین دقایق یکی از مسولین برای جمع ما که ترکیبی از ملیتهای مختلف بود، پرسید که اگر پلیس در بین راه کنترل کرد و خواست کسی را که برگه اقامت ندارد پیاده کند، پیشنهاد جمع چیست؟ آیا همه با هم در اتوبوس بمانیم و کسی پیاده نشود یا همه با هم پیاده شویم و مانع کار پلیس شویم. از همان لحظه اول می فهمیدی که در این جنبش همه با هم می خواهند به هدف مشترکشان دست پیدا کنند.

موضوعات بسیاری از تظاهراتها و میتینگها بین المللی بود. امسال یکی از تم های اصلی جنبش ضد جی هشت مساله مهاجرت و پناهندگی بود. که به خاطر همین روز ۴ ژوئن تظاهرات بزرگی با شعارهای "آزادی حرکت انسانها" و "نه مرز، نه ملیت، نه دیپورت" برگزار شد و همه گرایشها در آن حضور داشتند.

مورد دیگر روز ۵ ژوئن تظاهراتی تحت عنوان "اعتراض به ۴۰ سال اشغال فلسطین" از طرف گروههای مترقی اسرائیلی سازماندهی شده بود که مورد استقبال بسیاری از مردم قرار گرفت. عجیب این بود که کسی از فلسطین در آن شرکت نداشت.

همجنسگرایان نیز حضور و اعتراض شان را سیاسی بیان می کردند.



جنبش ضد جی هشت یک جنبش رزمنده است. این یکی دیگر از ویژگی های مهم این جنبش است. این روحیه ادامه همان روحیه مبارزاتی جوانان سیاتل در سال ۱۹۹۸ و جنوا در سال ۲۰۰۱ است. رزمندگی ویژگی برجسته و گسترده مبارزه در روستوک بود. اغلب افراد شرکت کننده از روحیه بالایی برخوردار بودند. البته جوانان گروه "بلک بلوک" یا به قول ما "سیاه جامگان" نوک تیز پیکان رزمندگی این مبارزات بودند. آنان بخوبی روحیه رزمندگی همه جوانان شرکت کننده را منعکس می کردند. اعضای این گروه از همه جوانتر بوده و بخشی از آنان دانش آموز بودند. جوانانی شجاع، جسور، با روحیه، سازمان یافته و تمرین دیده و آماده نبرد خیابانی با پلیس.

این جوانان که از طیفهای سنی مختلف بودند با لباسهای سیاه یکدست و عینک آفتابی و هنگام درگیریها با صورت پوشیده در تظاهرات شرکت می کردند.

بر خلاف اخبار و رسانه های دولتی اساسا این پلیس بود که با کمک دو نفوذی خود تظاهرات را در روز اول به درگیری کشاند نه جوانان "بلک بلوک". هم اکنون وکلای تظاهرات ضد جی ایت با فیلم و مدرک در این زمینه شکایتی را علیه پلیس آلمان طرح کردند. اما واقعیت این است که اگر این جوانان آماده دفاع و مقابله با پلیس نبودند خیلی زود بساط مبارزات ضد جی هشت جمع می شد و یا به جتی هدایت می شد که دولت آلمان می خواست. جوانان "بلک بلوک" تاکتیکهای موثری داشتند و روحیه رزمندگی شان به همه تظاهرکنندگان منتقل می شد.

برخی ها سعی می کنند طوری وانمود کنند که مبارزه رادیکال این جوانان اوضاع را مختل می کرد و برای تظاهرات مزاحمت ایجاد می کرد. در صورتیکه این واقعیت ندارد. شاید با گروههایی مثل "بلک بلوک" در هدفهای بلند مدت اختلاف داشته باشیم ولی برای از بین بردن نظم موجود و برپایی جهان دیگر مگر ما نیز روزی ناچار به مبارزه و مقابله با این حافظین نظم نئولیبرالی سرمایه داری نیستیم. این

بارها شده بود که در راه برگشت از آکسیونها در قطار با هم سرود انترناسیونال می خواندیم، دیگران نیز به زبانهای ترکی، اسپانیایی، آلمانی و... با ما هم صدا می شدند. روز ورود جرج بوش که ما برای بلوک کردن راه فرودگاه رفتیم، آنروز حضور ما اهمیت زیادی داشت. ما شعارهایی در مورد خاورمیانه و خروج آمریکا از عراق و افغانستان سر دادیم. در ابتدا بسیاری که فکر کرده بودند ما فقط می خواهیم مسائل کشور یا منطقه خودمان را طرح کنیم با ما همراهی نکردند و این باعث تعجب ما بود. اما زمانی که ما شعارهای ضد سرمایه داری و ضد جی ایت را سر دادیم همه به ما اعتماد کردند و فهمیدند مبارزه ما نیز از خصلت جهانی برخوردار است. چند هزار نفر پشت پرچم ما صف کشیدند و همه شعارهای ما را تکرار می کردند.



سومین ویژگی این جنبش سیاسی بودن آن است. اکثر شعارهای این جنبش سیاسی اند. خواسته های طرح شده، همه سیاسی اند و از زوایای مختلف قدرتهای سیاسی بزرگ حاکم بر جهان را هدف قرار می دهند. گروههای متنوع شرکت کننده در این جنبش آگاهانه سیاست های کلان رهبران دنیا را به چالش می گیرند، حتی زمانی که موضوعات خاصی را به میان می کشند.

برای مثال حتی گروههای محیط زیست هم که در این جنبش شرکت داشتند آماجشان سیاستهای کلان نئولیبرالیستی است که منجر به نابودی محیط زیست شده است. یا در روز ۳ ژوئن که گروهی پس از سخنرانی در دانشگاه برای بلوک کردن "مک دونالد" رفتند اعتراض آنها به قیمت یا کیفیت غذای "مک دونالد" نبود. مسئله شان محکوم کردن یکی از سمبلهای جهانی سازی سرمایه داری بود. یا زمانی که عده ای از جوانان پوستر "برگر کینگ" را کردند. همه بیان یک اعتراض کاملا سیاسی و آگاهانه بود. بر خلاف تبلیغات رسانه های دولتی که با تبلیغات دروغین شان وانمود می کنند که اینها یک عده جوان عاصی اند و هدفشان صرفا اغتشاش و بی نظمی است. برای من جالب بود که پس از کندن پوسترها، جوانان همه اشغالها را جمع کرده و در سطل زباله ریختند.

روز تظاهرات و دفاع از مبارزات مردم فلسطین آگاهانه محل تظاهرات مقابل کارخانه کاترپیلار انتخاب شد. مقابل شرکتی که سازنده ماشینهایی است که خانه های فلسطینی ها را تخریب می کند. این یک انتخاب سیاسی بود.

جهان از نگاه آمار

تهیه و تنظیم از افشین کوشا



هزینه های نظامی مرگ و میر ناشی از جنگ

- در طول قرن بیستم ۲۰۰ جنگ با ۲۰۰ میلیون کشته رخ داد.
- از پایان جنگ دوم جهانی تا سال ۱۹۹۲ بیش از ۱۴۹ جنگ در جهان اتفاق افتاده و در نتیجه ۲۳ میلیون نفر کشته شده اند.
- طی دهسال از ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶، ۴ میلیون نفر که بیشتر غیر نظامی بودند در جنگها جان خود را از دست دادند.
- از ۱۰۰۰ پایگاه نظامی در کشورهای مختلف، ۷۰۰ پایگاه متعلق به دولت آمریکاست.
- بودجه نظامی دولت آمریکا به تنهایی معادل همه کشورهای دیگر جهان است.
- در سال ۲۰۰۴، ۸۱ درصد از کل فروش تسلیحات در جهان در اختیار ۵ کشور صنعتی بوده است.
- هزینه های نظامی در سال جاری در جهان ششصد برابر هزینه های آموزشی در جهان می باشد.
- هر روزه ۲/۲ میلیارد دلار هزینه برای مرگ سازی هزینه می شود. ۹ روز هزینه نظامی جهان کافیسست تا غذا، تحصیل و بهداشت همه کودکان محروم جهان تامین شود.
- با ۲۵۰ میلیارد دلاری که امپریالیسم آمریکا و متحدانش در فاصله ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ صرف اشغال نظامی عراق کردند، امکان آن وجود داشت که به مدت ۶ سال مخارج پزشکی مجموعه مردم جهان را تامین کرد.

شیوه از مبارزه نمادی از آینده هم هست. مضافاً این گروه از حمایت های همگان نیز برخوردار بودند. کما اینکه بسیاری از افرادی که خودشان نمی توانستند مستقیماً در این نوع مبارزه خیابانی شرکت کنند به اشکال مختلف به آنها یاری می رساندند. برای مثال یک زوج پیر در بین جمعیت را دیدیم که در حین درگیری "بلک بولکها" با پلیس، وقتی می خواستند عقب بنشینند یا خود را استتار کنند، آن زوج پیر لباسهای سیاه آنها را در ساکهای بزرگی می ریختند تا آنها توسط پلیس شناسایی نشوند. بسیاری از گروههای شرکت کننده در تظاهرات نیز اعلام می کردند که اگر نمی خواهید درگیر شوید، فقط بایستید تا استتار این جوانان باشیم که بتوانند از دست پلیس فرار کنند.

یا همان شب اول که پلیس با تانک و نفر بر کمپ ما را محاصره کرد و هر آن احتمال این بود که حمله کند. جلسه اضطراری در چادر مرکزی کمپ برگزار شد که تا راه چاره جمعی پیدا شود. اقلیتی می گفتند که در صورت حمله پلیس باید با آرامش تسلیم شویم تا درگیری نشود. ولی اکثریت می گفتند که باید مقاومت کنیم چون اگر کمپ را از دست بدهیم علاوه بر اینکه به مبارزات ما لطمه می خورد، پلیس قدم بعدی را هم بر می دارد. این روحیه مدیون روحیه جوانان رزمنده ای چون "بلک بلوک" بود. ما در روزهای اول کمی با ترس و احتیاط عمل می کردیم ولی بعداً همه با روحیه تر، محکم تر و مطمئن تر شدیم و وقتی استیصال و پریشانی پلیس را بیشتر دیدیم بی پروا تر به اهدافمان فکر کردیم و آنها را عملی کردیم. جو به گونه ای بود که هرچه بر فشار پلیس اضافه می شد، روحیه رزمندگی افراد نیز بالاتر می رفت.

اصلی ترین ویژگی جنبش ضد جی هشت ضد سرمایه

داری بودن آن است. اولین، برجسته ترین و شاخص ترین شعارهایی که به چشم می خورد یا شنیده می شد، شعارهای ضد سرمایه داری بود. این امر در همه جا مشهود بود. در کمپ، آکسیونها، بلوکاها، ورک شاپها، غذاخوریها و بارها. شعار "آنتی کاپیتالیزم" ورد زبان همه بود. همچنین شعار "سرمایه داری را به تاریخ بسپاریم" نه تنها کسی با این شعارها مخالفتی نداشت بلکه همه با آن همصدایی می کردند. همه جا این نظام سرمایه داری بود که از زوایای گوناگون مورد آماج قرار می گرفت.

اغلب پرچمها، سمبلها، مجسمه ها و نمایشها در محکوم کردن فجایعی چون فقر، گرسنگی، استثمار، جنگ، پناهندگی، آلودگی محیط زیست و ... بود.

به قدری این روحیه ضد سرمایه داری بارز بود که حتی گروههایی هم که خواهان اصلاح و رفرم در همین سیستم بودند و از این طریق می خواهند از درد و رنج مردم دنیا بکاهند، ضدیت خود با سرمایه داری را نشان می دادند. آنها نیز حالشان از اینهمه فجایع و جنایات سرمایه داری بهم خورده بود. همه از فراخوان "جهان دیگری ممکن است" حمایت می کردند. درست است که لزوماً همگی درک یکسانی از جهان آینده و یا چگونگی دستیابی بدان نداشتند اما این مبارزه که علیه کلیت وضع موجود است عملاً راه را برای بحث و گفتگو در این زمینه باز می کرد و می کند. در جریان این مبارزه من به عینه دیدم و مطمئن شدم که با اتکا به چنین مبارزاتی **جهان دیگری ممکن است.**

تخریب محیط زیست**نابرابری ها در جهان**

- ۱۰ درصد از جمعیت جهان در رفاه و بقیه در فقر بسر می برند.
- درآمد یک درصد از مردم جمعیت جهان برابر با ۵۷ درصد جمعیت جهان است.
- سرمایه ۳۵۸ نفر از ثروتمندان جهان معادل درآمد ۴۵ درصد از کل جمعیت جهان است.

■ ۱/۲ میلیارد از مردم جهان درآمدی کمتر از یک دلار در روز دارند و ۱/۶ میلیارد از مردم جهان درآمدی کمتر از دو دلار در روز. زنان هفتاد درصد از فقیرترین اقشار جهان را تشکیل می دهند.

- هشت کشور صنعتی ۱۳ درصد از جمعیت جهان را تشکیل می دهند ولی ۶۳ درصد درآمد ناخالص دنیا متعلق به آنان است.
- آمریکا با کمتر از ۵ درصد جمعیت جهان، بیش از ۵۰ درصد فروش دارو در جهان را به خود اختصاص داده است.

- در سال ۲۰۰۳ متوسط عمر در ژاپن ۸۵ سال بود در زیمبابوه ۳۶ سال.
- در فرانسه از هر ۲۰۰ کودک یک نفر می میرد در غنا از هر ۱۰ کودک یک کودک.
- در غنا برای هر صد هزار نفر تنها ۹ پزشک وجود دارد و در فرانسه برای هر صد هزار نفر ۳۳۵ پزشک.

- ۴۰۰ میلیون کارگر کشاورز در هندوستان سالانه ۳۷۵ دلار (معادل ۲۳۰ پوند) درآمد دارند. در حالی که حدود یک میلیون مهندس نرم افزار در هند هر یک سالانه تقریباً ۲۵ هزار دلار (معادل ۱۶ هزار پوند) درآمد دارند.

■ دستمزد مایکل جردن بسکتبالیست معروف آمریکا برای بازی در یک فیلم کوتاه تبلیغاتی برای کمپانی "نایکی" برابر با سی سال دستمزد یک کارگر کارخانه "نایکی" در تایلند است.

نابرابری ها در جامعه آمریکا

- ثروت ۱ درصد بالای جامعه آمریکا از ۹۵ درصد پایین جامعه بیشتر است.
- ثروت بیل گیتس معادل ۱۲۰ میلیون نفر پایین جامعه آمریکا بوده است در حالی که جمعیت آمریکا در آن سال (۲۰۰۰)، ۲۸۳ میلیون نفر برآورد شده است.
- ثروت ۴۰۰ نفر نخست آمریکا در سال ۱۹۹۹ در هر ساعت کاری ۲۲۵۰۰۰ دلار افزوده شده است در حالی که حداقل دستمزد در آمریکا ۱۵/۵ دلار بوده است.
- درآمد متوسط کارگر آمریکایی در سال ۱۹۸۰، ۲۸/۹۰۰ دلار و در سال ۲۰۰۰، ۲۸/۵۹۷ دلار (بعد از حذف اثر

- میزان تخریب جنگلها در سال جاری: ۱۲۹۶ هکتار / ساعت
- به هدر رفتن زمینهای مستعد توسط فرسایش خاک: ۷۲۰ هکتار / ساعت
- اوج فرسایش خاک از زمینهای زراعی: ۲،۷ میلیون تن / ساعت
- هشت کشور صنعتی جهان، ۴۳ درصد گاز کربنیک مضر برای محیط زیست را تولید می کنند.

**ابعاد گرسنگی و مرگ و میر ناشی از آن**

- ۸۴۲ میلیون نفر در گرسنگی مزمن به سر می برند و سالانه ۵ میلیون نفر به این تعداد اضافه می شود. در حالی که سالانه در جهان برای ۱۲ میلیارد نفر غذا تولید می شود.
- بیش از ۸۰ میلیون نفر از مردم جهان در گرسنگی مزمن به سر می برند.
- هر سال ۲۵ میلیون نفر در جهان از گرسنگی می میرند.
- کودکان مبتلا به سوء تغذیه: نفر ۱۸۰،۰۰۰،۰۰۰
- در هر ۵ ثانیه یک کودک به علت گرسنگی می میرد.

مرگ و میر ناشی از بیماری

- مرگ و میر ناشی از بیماری های مسری: در هر ساعت ۱۹۸۰ نفر
- مرگ و میر ناشی از بلایای مرتبط با آب: نفر / ثانیه ۰،۱۶
- مرگ و میر کودکان زیر پنج سال: در هر ساعت ۱۲۶۰ نفر
- مرگ ناشی از زایمان: در هر ساعت ۷۲ نفر
- مبتلا شده به ایدز: نفر ۳۰،۰۰۰،۰۰۰
- مجموع مرگ ناشی از ایدز: نفر ۶،۴۰۰،۰۰۰
- هر روز ۳۰۰۰ کودک از بیماری مالاریا و ۶۰۰۰ نفر از بیماری سل تلف می شوند.
- فقط در سال ۲۰۰۱ دومیلیون سیصد هزار نفر از بیماری ایدز در افریقای مرکزی جان سپردند. یعنی هر روز بیش از دو برابر قربانیان ۱۱ سپتامبر پذیرای مرگ شدند.

■ درآمد شرکتهای "جنرال موتورز"، "فورد" و "تویوتا" از درآمد ملی کشورهای دانمارک، آفریقای جنوبی و نروژ بیشتر است.

■ تنها دو شرکت "مونسانتو" و "دوپونت" ۶۵ درصد تخم ذرت را در جهان در انحصار خود دارند. ۷۵ درصد غذای انسان های روی زمین را محصولات دانه ای (گندم، ذرت، سویا و غیره) تشکیل می دهد و ۹۰ درصد تجارت آن ها را تنها سه شرکت "کارگیل"، "آرچر دنیلز میدلند" و "بانجی" در انحصار خود دارند.

■ ظرف بیست سال گذشته چهار کمپانی توانسته اند ۸۲ درصد تجارت گوشت گوساله، ۵۷ درصد تجارت گوشت خوک و ۸۰ درصد تجارت سویا را به انحصار خود درآورند.

■ از زمان تصویب قرارداد "نفتا" بین آمریکا، مکزیک و کانادا و آزاد کردن مبادلات، صدها هزار آمریکایی شغل خود را بر اثر انتقال کارخانجات به مکزیک از دست داده اند و در مکزیک دستمزدها ۱۰ درصد کاهش یافته است.

■ آمریکا همه ساله ۳ - ۴ میلیارد دلار به ۲۵۰۰۰ پنبه کار خود سوبسید می دهد تا بتوانند در بازار جهانی پنبه به رقابت پردازند. مقدار سوبسیدی که دولت آمریکا می دهد حتی از ارزش خود پنبه نیز بیشتر است این یارانه مستقیما حداقل به ده میلیون زارع پنبه کار در مناطق جنوبی صحرا در آفریقا صدمه می رساند و آنان را به ورشکستگی می راند. در تاریخ بشر این اندازه اندک از انسانها به چنین جمعیت وسیعی آسیب نرسانده است.

■ آمریکا و اروپا به ازای هر گاو روزانه ۲ دلار سوبسید پرداخت می کنند. در حالی که ۲ میلیارد زارع در جهان با درآمدی کمتر از ۲ دلار در روز زندگی می کنند.

■ در نشست سال ۲۰۰۵ سران هشت کشور صنعتی تنها ۸۰۰ میلیون دلار از بدهی قاره آفریقا بخشوده شد و این یعنی سه دهم درصد از ۳۰۰ میلیارد دلار بهره ای که این کشورهای جهت بدهی خود باز پرداخت می کنند.

■ سهم تجارت قاره آفریقا از ۶ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۲ درصد در سال ۲۰۰۵ کاهش یافته است.

■ سازمان ملل گزارش می کند که تعداد مهاجران در جهان از ۲ میلیون نفر در سال ۱۹۷۵ به ۲۷ میلیون نفر در سال ۱۹۹۵ افزایش پیدا کرده است.

■ از یک میلیارد و ۱۴۸ میلیون نفر کودک در جهان، حداقل ۱۰۰ میلیون نفر در خیابانها می خوابند. در قاره آسیا حداقل ۱۴۶ میلیون کودک در انواع مشاغل کار می کنند و سازمان ملل گزارش می دهد که سالانه یک میلیون کودک به فحشاء کشیده می شوند. ■

تورم) بوده است. در همین دوران بیست ساله بعد از حذف اثر تورم درآمد مدیران ارشد اجرایی ۱۰۰۰ درصد افزایش یافته است. از ۱/۳ میلیون دلار در سال به ۱۳ میلیون دلار در سال رسیده است.

■ ۳۴/۶ میلیون نفر در آمریکا زیر خط فقر به سر می برند و گرسنگان و بی خانمان ها در ظرف های آشغال رستوران های "مک دونالد" به دنبال دور ریخته غذاهای خورده نشده می گردند. این تعداد تنها ظرف مدت یکسال یعنی از ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲، ۱/۷ میلیون نفر افزایش یافته است.



■ در آمریکا ۷۰۰۰۰۰ نفر بی خانمان و بی سرپناه وجود دارند.

■ ۴۵ میلیون نفر از مردم آمریکا فاقد بیمه خدمات درمانی هستند

■ بیش از ۱۲ میلیون کارگر غیر قانونی در آمریکا به کار مشغولند.

■ دو میلیون نفر در زندانهای آمریکا با روزی کمتر از ۱ دلار برای شرکتهای کار می کنند.

■ آمریکا با ۵ درصد جمعیت جهان، ۲۵ درصد از زندانیان جهان را در خود جای داده است.

■ در سال ۱۹۹۸ بیش از صد هزار نفر زیر سن قانونی در زندانهای آمریکا زندانی بودند.

■ در دوران حکومت آپارتاید در آفریقای جنوبی از هر صد هزار سیاهپوست ۸۵۱ نفر در زندان بسر می برده اند، در آمریکای کنونی از هر صد هزار نفر ۴۹۱۹ نفر در زندان بسر می برند.

■ سالانه ۶۰۰۰۰ نفر در آمریکا در اثر شلیک گلوله کشته می شوند و در همین حدود در اثر حوادث رانندگی کشته می شوند.

و برخی جنبه های دیگر نابرابری

■ فروش فروشگاههای زنجیره ای "وال مارت" در سال ۲۰۰۵ حدود ۲۸۸ میلیارد دلار در سال بوده است در حالی که کل تولید ناخالص ملی ایران ۱۶۳ میلیارد دلار برآورد شده است.

از سنگرهای روستوک

گزارشی از یک مبارزه بین المللی

برناک جوان



به روستوک که رسیدیم با جمعیت عظیمی روبرو شدیم. حدود هشتاد هزار نفر. تصور دیدن این همه نیروی معترض و مبارز علیه نظام سرمایه داری برای من و سایر دوستان جوان باور نکردنی بود. در مقابل پلیس آلمان هم با کمک ارتش و تمام توان نظامی کشور، نیروی بیست هزار نفری فوق مسلحی را بصورت زمینی و هوایی و دریایی تدارک دیده بود.

در نگاه کلی مبارزات امسال نیروهای ضد جی هشت، در مقایسه با سالهای قبل از رزمندگی و رادیکالیسم بالایی در طرح شعارها و مبارزات عملی برخوردار بود. تا حدی می توان آن را با مبارزات ضد جی ۸ در جنوا در سال ۲۰۰۱ و همچنین مبارزه سیاتل در سال ۱۹۹۸ مقایسه کرد. بویژه اینکه در اجلاس سران در سال ۲۰۰۶ در اسکاتلند علیرغم تلاش بسیاری از نیروها و جریانات انقلابی رادیکال، نیروهای رفرمیست توانستند مبارزات آنجا را تحت الشعاع شعارها و روش های خود قرار دهند و مبارزه سال گذشته در سنت پترزبورگ به خاطر محدودیتهایی که دولت روسیه برای ورود مخالفین به روسیه بوجود آورده بود ابعاد وسیعی بخود نگرفته بود.

به هر حال جنبش های گوناگون چند سال اخیر علیه جنگ و ... تاثیر مهمی در مبارزه جویی و رادیکالیسم امسال داشت. برای من هم مشاهده گروه های بزرگ تظاهر کننده و هم صحبتی که با برخی از آنان داشتم، بسیار جالب بود. اغلب شرکت کنندگان جوان بودند. ترکیبی از دانشجویان و دانش آموزان و جوانان دیگری که از شور و شوق بالایی برخوردار بودند و مبارزه با قدرت سرمایه داری محرک شان بود. در حین صحبت با جوانان آلمانی و سایر ملیتها، بحث چرایی حضور ایرانیان در این عرصه مبارزاتی طرح شد. برای ما مهم و ضروری بود که به آنها بگوییم ما نیز علیه مناسبات سرمایه داری حاکم بر جهان و هم چنین جمهوری ارتجاعی اسلامی بعنوان بخشی از این نظام هستیم. و اینکه می دانیم امپریالیسم آمریکا در حال کشیدن نقشه های شوم برای ایران، مانند سایر مناطق جهان است و یکی از بحث های نشست امسال سران هشت کشور سرمایه داری این موضوع خواهد بود.

امسال نشست سران هشت کشور امپریالیستی جهان در شهر روستوک آلمان برگزار شد. این اجلاس در حالی انجام شد که نظام سرمایه داری باعث رشد لگام گسیخته استثمار، گسترش فقر در ابعاد وسیع در کشورهای موسوم به جنوب و حتی در خود ممالک شمال شده است.

فجایع نظام سرمایه داری در مناطقی مثل آفریقا و بخشهایی از آسیا و آمریکای جنوبی به اشکال وحشتناکی بروز کرده است. فجایع عظیم انسانی که خود را در اشکالی مانند جنگ، بیکاری و مهاجرت جمعی، گرسنگی و بیماری جمعی نشان می دهد. این وضعیت ناشی از روندی است که تحت عنوان گلوبالیزاسیون از دهه نود به این طرف توسط این صاحبان قدرت عملی شده است.

امسال علیه اجلاس سران هشت کشور امپریالیستی مبارزات وسیعی سازماندهی شد. برای اولین بار در طول تاریخ مبارزاتی که علیه جی هشت براه افتاده، گروهی از ایرانیان بصورت متشکل تحت عنوان "کمپته هماهنگی ایرانیان ضد جی هشت" شرکت کردند. من یکی از اعضای جوان این گروه بودم. این گروه ترکیبی از نسل قدیم و نسل جدید بود.

بدون شک شرایط حاد سیاسی جهان، تضادهای حل ناشدنی سیستم امپریالیستی، تقابل فزاینده آمریکا و ایران، محرک حضور گروه ما در این مبارزه بشمار می رفت. علاوه بر این با توجه به اینکه مسئله خاورمیانه و ایران در راس مسائل جهانی قرار دارد فرصت مناسبی هم بود که ضمن تاثیر گرفتن از این فضای مبارزاتی بتوانیم صدای مبارزات مردم ایران را در بین این نیروها منعکس کنیم. تلاش ما این بود که طنین صدای جنبش انقلابی و رادیکال مردم ایران در این مبارزات باشیم و همدوش با سایر نیروها و جریانات مترقی و ضد سرمایه داری علیه این نشست که سمبل تمامی جنایات سازمان یافته نظام سرمایه داری در جهان کنونی است، مبارزه کنیم.

روز اول: یکشنبه دوم ژوئن

من به همراه چند دوست جوان دیگر، بشکل یک تیم بطرف روستوک حرکت کردیم. برخی از فعالین قدیمی تر که تجربه بیشتری در اینگونه مبارزات داشتند مسئولیت هماهنگی و تقسیم کار تیم را برعهده گرفتند. در طی مسیر یکی از فعالین دائما در حال تماس تلفنی با گروهها و افراد مختلف دیگر بود تا بتوانیم همگی درمحل خاصی تجمع کنیم و با صفوف متشکل در تظاهرات حرکت کنیم. تا رسیدن به محل مورد نظر، در جریان تجربه مبارزاتی افرادی که سالهای قبل نیز در این قبیل مبارزات شرکت کرده بودند، قرار گرفتیم.



روز دوم: یکشنبه سوم ژوئن زندگی در کمپ

امسال نیروهای مبارز در اطراف شهر روستوک در سه کمپ مختلف با ترکیبهای متنوع و متفاوت اسکان یافته بودند. کمپ محل استقرار ما ظرفیت پنج تا شش هزار نفر را داشت. در سرتاسر کمپ چادرهای فراوانی نصب شده بود با انواع رنگها، نشانهها، طرحها و پرچمها. چادرهای بزرگی هم در محوطه برپا بود که محل سخنرانیها و میتینگها بود. در ورودی کمپ دو چادر ویژه اطلاعات ضروری و نقشه ها و آموزش دفاع از خود و ... بود که کمک بسیاری به افراد می کرد. کمپ با نظم فوق العاده ای و با تعاون همه شرکت کنندگان اداره می شد. عده ای بطور داوطلب مسئولیت نظافت، سرویس دهی غذا، اسکان افراد و ... را بر عهده داشتند. از طرف هر گروه هم افرادی به آنان کمک می کردند. تلاش همه افراد کمپ برای تجربه پر بار زندگی اشتراکی ستودنی بود و همگی از این فضا لذت می بردند. در حد امکان همه چیز برای همه بود و همه در قبال هم احساس مسئولیت داشتند. جوانان سهم عمده ای در گرداندن کمپ داشتند و امید را در دل نسل قدیم و رادیکال زنده می کردند. تمام کمپها توسط نیروهای تا دندان مسلح پلیس آلمان در محاصره بود و در تمام لحظات هلیکوپترها، از تمام تحرکات در منطقه فیلمبرداری می کردند.

آن شب سئوالات زیادی به ذهنم خطور کرد. چرا در حالت زندگی معمولی وقتی آدمها بیش از دو نفر می شوند، احتیاج به ناظم دارند؟ ولی در اینجا با این تعداد جمعیت نه؟ چرا حتی دوستان صمیمی در تعطیلات بدون قرارهای لازم دچار اختلافات حاد می شوند ولی اینجا نه؟ چرا در هیچ جا نشانی از تابلوهای اخطار و هشدار نبود؟ چرا با وجود تیپهای گوناگون و زندگی فشرده جمعی، آزادی فردی هیچ کس محدود نمی شد؟

پیش خود گفتم، دارم بین آدمهایی زندگی می کنم که مبارزه می کنند تا این جهان را عوض کنند. کسانی که آگاهانه منافع و راحتی شخصی خود را تابع اهداف بزرگتری کرده اند. بر خلاف آنچه که مدام بورژوازی در کله مان فرو می کند که اول به فکر خود باش و دنبال منافع خودت باش. چیزی که روزمره به ما آموزش می دهند و آنرا با تمام توان تبلیغ و تقویت می کنند. برای اکثر افرادی که در کمپ زندگی می

در خلال این بحثها به نزدیکی محل تظاهرات رسیدیم. تا چشم کار می کرد صف اتوبوسهای ردیف شده بود که تظاهر کنندگان را پیاده می کرد. ما نیز به سمت جمعیت رفتیم. تا به آنها پیوندیم. شور و شوق عجیبی بچشم می خورد. برای من که اولین صحنه مبارزاتی بین المللی خود را تجربه می کردم، دیدن چند ده هزار نفر با ایده های انقلابی، هیجان زیادی داشت. با رسیدن به محل استقرار از قبل تعیین شده گروه، منتظر دوستان دیگر شدیم تا به گروه ما به پیوندند. در این فاصله به پخش بیانیه ها و اعلامیه های خود در بین جمعیت پرداختیم. به دلیل شلوغی نتوانستیم با برخی از ایرانیانی که از شهرهای دیگر آمده بودند متصل شویم. به دلیل این پراکندگی کارهای زیادی بر دوش ما قرار گرفت. در نتیجه هرکس باید وظایف خود را دقیق انجام می داد تا در همراهی با دیگران بتوانیم اهدافی که داشتیم را عملی کنیم. بزرگی با طرحی بسیار انقلابی همراه ما بود که توجه بسیاری از خبرنگاران و عکاسان و ... را جلب می کرد.

اینبار بر اساس تجارب قبلی، تمام اعلامیه های ما به زبانهای گوناگون بخصوص آلمانی ترجمه شده بود. توانسیم حجم وسیعی از این اعلامیه ها را در میان مردم پخش کنیم. روز دوم ژوئن که اولین روز تظاهرات بود در واقع بزرگترین و مرکزی ترین تظاهرات امسال را بخود اختصاص داده بود. گروه ما در بلوک ضد نژادپرستی قرار گرفت. کسی فکر نمی کرد که این تظاهرات به درگیری با پلیس بیانجامد. ولی حدود ساعت چهار بعداز ظهر به محض اینکه دو بخش اصلی تظاهرات در حال رسیدن به یکدیگر بود. پلیس یورش خود را آغاز کرد و به جمعیت حمله کرد. جوانان گروه "بلک بلوک" (سیاه جامگان) که گروه متشکل بزرگی را تشکیل می دادند به مقاومت پرداختند. آنان با آموزشها و تمریناتی که از قبل داشتند با مهارت به درگیری با پلیس پرداختند. تاکتیکهای جالبی برای گیج کردن پلیس و تقسیم نیروهای پلیس به نیروهای کوچکتر داشتند. از کوچه پس کوچه ها بخوبی استفاده می کردند و سنگهای سنگفرشهای خیابان را کنده و به سمت پلیس پرت می کردند.

سنگ بود که در هوا پرتاب می شد. پلیس که مثل آدم آهنی فقط چند فرمان ناچیز را می فهمید، به طرف آنان گاز اشک آور پرتاب می کرد و با باتوم شوک الکتریکی می داد. جوانان خشمگین دهها دستگاه اتوموبیل را به آتش کشیدند تا اثر گاز اشک آور را خنثی کنند. نبرد تن به تن بود و آسمان روستوک با دود و گاز اشک آور کدر شده بود. بعضی ها عکس می گرفتند. بعضی خشکشان زده بود. ما نیز که قاتی جمعیت بودیم و با پیوستن به این جوانها سعی کردیم در این مبارزه همراه آنان باشیم و آنان را در مقابل حمله پلیس تنها نگذاریم. حرکات منظم و برنامه ریزی شده گروه سیاه جامگان و سیستم جنگ و گریز شان جالب بود و نکات جالبی برای یادگیری داشت. آن چند ساعت، سراسر شور بود و هیجان و نفرت از پلیس که پایانی نداشت. بعد از ساعتی کش و قوس و عقب نشینی، دوباره تظاهرات همراه با برخی درگیریهای پراکنده ادامه یافت. با پایان تظاهرات اصلی ما هم بطرف محل اسکان خود یعنی کمپ روستوک راه افتادیم.

مسائل تئوریک و عملی مبارزه با سرمایه داری در چادرهای دیگر و فضاهای باز بودند.

روز سوم: دوشنبه چهارم ژوئن

گروه ما به تظاهرات صبح این روز رسید. در تظاهرات صبح قرار بود با اشغال دفتر امور خارجی ها که محلی برای انیت و آزار مهاجرین و پناهنده هاست شروع شود. اما توانستیم در تظاهرات بعد از ظهر که آن هم به موضوع مهاجرت و پناهندگان اختصاص داشت شرکت کنیم. پلیس انواع و اقسام تاکتیکها را بکار می برد که در کار تظاهر کنندگان اخلاص کند و مانع از تجمع جمعیت، بیش از حد معینی شود. تاکتیک پلیس این بود که تعداد شرکت کنندگان در تظاهرات را کنترل کند. پلیس مانع حرکت قطارها سر وقت می شد یا مانع رفتن قطار به ایستگاههایی که نزدیک محل تظاهرات بود می شد. تعداد پلیس آنقدر زیاد بود که با شوخی به دوستان می گفتیم که به ازای هر دو نفر تظاهر کننده یک پلیس آورده اند.

بالاخره به طریقی خودمان را به محل تظاهرات رساندیم. این هم یک تظاهرات پرشور بود با شعارهایی چون: "نه مرز، نه ملیت، نه اخراج" و "ما اینجا هستیم چون شما کشورهای ما را ویران کرده اید".

در این روز دوستان جوان ایرانی دیگری را از بین گروههای دیگر پیدا کردیم که جوانان نسل دو خارج از ایران



بودند و بعضی هایشان به سختی فارسی حرف می زدند. آنها با دیدن پلاکاردهای ما، خود را به ما رسانده بودند و شادی خود را ابراز می کردند و با رد و بدل آدرسهای ایمیل زمینه ارتباطات بعدی فراهم شد. در این روز چند زن اروپایی که در این دوروز با ما آشنا شده بودند، چند پلاکارد ما را حمل می کردند. ما نیز سعی می کردیم تا به گروههای دیگر بگوییم که فقط برای مسائل کشور خودمان نیست که اینجا هستیم. ما انترناسیونالیست هستیم. در زمانی که جمعیت عظیم تظاهرکننده توسط پلیس برای مدتی بلوکه و متوقف شده بود، برنامه های زیادی توسط گروه دلکها اجرا شد. این گروه با اعمال خنده دار و شوخ به مضحکه پلیس پرداخته، آتوریته آنها را سست کرده و اعصاب شان را خورد می کردند. یکبار دلکی که با تمسخر، درون کیف خود را به شکل مشکوکی جستجو می کرد، توسط پلیس مورد بازجویی قرار گرفت و کیفش زیر و رو شد. سرانجام پلیس موفق شد از کیف او یک بطری آب پیدا کند که ناگهان فریادهای جمعیت معترض با سوت و خنده به هوا رفت و پلیسها را دست پاچه کرد. در اعتراض به درخواست پلیس که مبنی بر برداشتن کلاهها و عینکهای آفتابی که مانع شناسایی افراد می شد (مشخصه بلک بلوکها)، برای اجازه دادن به حرکت تظاهرکنندگان، عده ای خود را برهنه کردند و در میان صف پلیسها رژه می رفتند

کردند روشن بود که مبارزه برای تغییر دنیا، فقط بیرونی نیست یعنی فقط محدود به مبارزه با پلیس و صاحبان قدرت نیست. درونی هم هست یعنی اینکه باید با ارزشهای دشمن در میان خود هم مبارزه کرد. با ارزشهای دشمن نمی توان به جنگ با آن رفت.

تا نیمه های شب، اخباری از درگیریهای پراکنده و دستگیری عده ای از مبارزین به کمپ می رسید. برخی مواقع جوان رزمنده ای را می دیدی که تازه از درگیریهای برگشته، با کوله پشتی ای بر دوش، از شدت خستگی هر جایی که امکان داشت بدون امکاناتی دور آتش یا کنار چادری چماتیمه می زد تا خستگی از تن بدر کند. شب اول به خاطر شایعه حمله پلیس تمام نیروهای کمپ بطور منظم نگرهبانی می دادند. پلیس دور کمپ را با نفربرهای خود محاصره کرده بود. همان شبانه جلسه ای اضطراری توسط مسئولین کمپ فراخوانده شده که در اثر حمله پلیس چکار باید کرد. مسئولین گروه های مختلف نظرات خود را بیان می کردند. سوال "

چه باید کرد؟ " همه را خطاب قرار می داد. اکثریت نظر دادند که باید مقاومت کنیم و نگذاریم ما را از کمپ بیرون کنند. برای روز دوم تیم ما تقسیم کاری بین خود انجام داد. قرار شد عده ای به شهر بروند، عده ای در میتینگ گروههای دانشگاهی شرکت کنند و برخی هم در کمپ بمانند و به تبلیغ و پخش بیانیه ها بپردازند و تدارک یک سخنرانی را برای شب ببینند.

با همکاری دوستان دیگری که از گروههای مبارز ترک بودند توانستیم برای برگزاری یک جلسه سخنرانی برنامه ریزی کنیم. آنها با کمال میل با ما همکاری کردند. از یک زن کمونیست آمریکایی برای سخنرانی دعوت کردیم. او با خوشحالی به دعوت ما پاسخ مثبت داد. او با هیجان و تسلط زیادی سخنرانی کرد. بر دو نکته مهم تاکید کرد: یکم اینکه امپریالیسم آمریکا و جمهوری اسلامی درست است که در مقابل هم قرار گرفته اند اما از یک ماهیت برخوردارند و هر دو ارتجاعی اند و نباید از یکی در مقابل آن دیگری دفاع کرد. حمایت از یکی عملاً به تقویت آن دیگری منجر می شود. نکته دیگر هم که جمع صد و پنجاه نفره ای را که به سخنرانیش گوش می دادند عمیقاً به فکر فرو برد این بود که درست است ما اینجا آمدیم که اعلام کنیم این جهان را نمی خواهیم و جهان دیگری ممکن است اما آیا به مختصات جامعه و جهان دیگر هم فکر می کنیم که چگونه باید باشد؟

جلسه سخنرانی با صحبتهای سخنرانان دیگر ادامه یافت. همه به افشاگری از سیاستهای نئولیبرالیستی امپریالیستها و ارتجاعی نیروهای حاکم در جهان پرداختند. در خلال برنامه سخنرانی گروههای دیگر نیز در حال بحث و جدل پیرامون

جنگ و ضد سرمایه داری برقرار کردیم و توانستیم علیرغم جو فوق العاده پلیسی که حاکم بود، در ارتباط با جمعیت حاضر شعار دهیم و در خلال سخنرانیها، پیوندهای موثری با برخی تظاهرکنندگان برقرار کنیم.

بعد از ظهر قرار بود "بوش" وارد روستوک شود. جمعیت عظیمی به سوی فرودگاه رفت. نیروهای گسترده ارتش و پلیس آلمان بصورت چند لایه جمعیت را محاصره کرده و تحت نظر داشتند. هلیکوپترهای ارتشی دائما بالای سر جمعیت و در ارتفاع پایینی پرواز و فیلمبرداری می کردند. نیروهای ویژه ای از پلیس نیز با دوربینهای خاصی از تمام

جمعیت بصورت چهره به چهره فیلم و عکس می گرفتند، کارتهای شناسایی و تمامی کیفها را کنترل می کردند..

زمانی که هواپیمای بوش بر زمین نشست مردم فریاد زدند: "بوش تروریست" "بوش آشپزها در حال تهیه سوپ خوبی برایت هستند".

اینروز برای ما بسیار پر بار پیش رفت و نشان از این می داد که ارتباطات ما در روزهای گذشته تا حدی ثمر داده

اند. نزدیک فرودگاه حصارى کشیده بودند که نمی توانستیم از آن منطقه جلوتر رویم. گروه ما در ابتدای صف تظاهرات در این قسمت قرار گرفت. با بنری که شعار "نه به ارتجاع نه به امپریالیسم" به فارسی و انگلیسی بر آن نقش بسته بود. شعار دادن را آغاز کردیم. جمعیت حاضر به تکرار شعارهای ما می پرداخت و ما هم با بلندگوی خود شعارهای آنها را به همه اعلام می کردیم. در طول مبارزه امروز در چند نوبت با اعضای گروه ما مصاحبه تلویزیونی و رادیویی شد. همان شب کانال تلویزیونی اصلی آلمان و شبکه دوم تلویزیون فرانسه صحنه ورود بوش به آلمان را با تصویری از صف ما و بنر ما همراه کرد.

در مواقعی که پلیس به اکیپ ما نزدیک می شد تا عکس بگیرد یا برخوردی با ما پیش بیاورد، جمعیت حاضر و بخصوص جوانان گروه "بلک بلوک" خودشان را حائل ما و پلیس می کردند تا مانع برخورد پلیس با ما شوند.

نفرت و خشم تظاهرکنندگان در نحوه برخورد با پلیس و شعارهای آنها کاملا بارز بود. هر گروهی در حمایت از دیگری شعارها را تکرار می کرد. تجربه حضور در جمع رفقایی از کشورهای دیگر، حالا دیگر برای من عادی شده بود و می دیدم که چطور دیدگاههای ناسیونالیستی مانعی برای پیوند برقرارکردن میان انقلابیون کشورهای مختلف است. می دیدم که جایی که یک مبارزه جهانی در جریان است، اگر مسائل مشخص به یک کشورمعین را به این مبارزه جهانی ربط داده نشود نمی توان این پیوند را برقرار کرد.

و با اداهای عجیب پلیس را هو می کردند و پلیس نیز قصد حمله به آنها را داشت که جمعیت سریع آنها را پوشش می داد. در بین این افراد تعدادی دختر هم برهنه شدند که بعدا موجب ایجاد بحثهای زیادی- خصوصا بین گروههای فمینیستی - شد. تا شروع تظاهرات سخنرانان از برخی کشورهای آفریقایی به افشای شرایط وحشتناک پناهندگان در آلمان پرداختند. سپس گروه های موسیقی رپ آفریقایی ترانه هایی بسیار پر شور و رزمنده را به زبانهای مختلف خواندند. بالاخره تظاهرات بعد از ساعتها آغاز شد. به یکباره سیل عظیم جمعیت به حرکت درآمد. پلیس برای اعمال فشار بیشتر

بر جمعیت، آنها را دو پاره کرد ولی جمعیت از دو مسیر به تظاهرات ادامه داد. شعارها و موزیکهای انقلابی که از بلندگوها پخش می شد بر هیجان همه می افزود. در قسمتی از مسیر که دو تکه جمعیت در یک چهارراه به هم می رسیدند پلیس فشار خود را بیشتر کرد. در این لحظه با پخش آهنگ "دیوار" (۱) از پینک فلوید، موج

جمعیت به حرکت درآمد و پلیس ناگزیر عقب نشست و دو پاره جمعیت تظاهر کننده بهم پیوستند. این پیروزی و شور و شوقی که جوانان از شنیدن این موزیک بدست آوردند وصف نشدنی است. انگار در آن لحظه تمام دیوارهای تبعیض، قدرت و ترس فرو ریخته بود. در هر حال گروههای مختلف توانستند از فشار پلیس خارج شده و به تظاهرات ادامه دهند. سرانجام تظاهرات به پایان رسید ولیکن در آخر درگیریهای پراکنده همانند روز اول با پلیس رخ داد. پلیس همه خیابانها را بسته بود اما جنگ و گریز تا پاسی از شب ادامه داشت و شهر پر از دود و آتش شد. حداقل ۲۰ جوان در این درگیریها بدلیل ضرب و شتم شدید پلیس زخمی شده و راهی بیمارستان شدند. خصوصا بوسیله پاشیدن اسپری های مختل کننده بینایی به چشمان افراد فعال گروهها توسط پلیس.

همزمان با این درگیریها متینگهای سخنرانی و کنسرتهای مترقی همانند روز اول که از قبل سازمان داده شده بود در کنار ساحل ادامه داشت.

روز چهارم: سه شنبه پنجم ژوئن

صبح روز چهارم به تظاهرات حمایت از مردم فلسطین رفتیم. این تظاهرات در اعتراض به چهلمین سال اشغال سرزمینهای فلسطینی توسط اسرائیل بود و همچنین علیه دیوارهایی که دولت اسرائیل در فلسطین اشغالی کشیده است. از تعداد گروه ما کاسته شد ولی جمعیت زیادی گرد آمده بودند. در اینروز بیشترین ارتباطات را با گروههای ضد



تمام طول مسیر و توقف در کنار دیوار درسهایی از مبارزه در شرایط معین و با توان معین و مشخص را در خود داشت. درس همبستگی در سنگر سازی، آوردن شاخه و درختهای خشکیده برای صف اول مبارزه در جهت کند کردن حرکت ماشینهای آبیاش پلیس، تقسیم مواد غذایی شخصی با جمع، رساندن اخبار به هم با زبانهای مختلف و ...

اینبار نیز جمعیت گرد آمده کنار دیوار با کمال میل قبول کردند که بنر ما جلوی صف قرار گیرد و صف متحدی از انقلابیون کشورهای مختلف علیه ارتجاع و امپریالیسم به نمایش در آید. صحنه ای از همبستگی انترناسیونالیستی که برای همیشه در ذهن من نقش بسته است.

این آخرین روز شرکت ما در این مبارزه بود. هر چند که تا دو روز دیگر هم این مبارزه به اشکال دیگری ادامه داشت. و متأسفانه ما به دلیل محدودیتهای زمانی قادر به شرکت در آن نشدیم.

آنچه از این مبارزه آموختم

در تمامی لحظات و در کل این مبارزه به اهمیت آگاهی سیاسی انقلابی پی بردم. فعالیت در فضایی آکنده از مبارزه و بحثهای خلاق؛ سئوالات گوناگونی که در سخنرانی ها و جلسات سازماندهی شده بزرگ و کوچک در کمپ طرح می شد، مضمون بحثها و شعارهای مختلف و تفاوت میان آنها، بحثهای روزمره با دیگران هر کدام محرکی بوده برای فکر و مطالعه بیشتر. فهمیدم که شرکت



در این نوع مبارزات آگاهی افراد را جهش وار بالا می برد. بطور خاص بحثی که توجه من و سایر دوستان جوان را به خود جلب کرد. جدلی بود که بین نیروهای سیاسی مختلف جاری بود. اینکه همه ما می دانیم که این جهان را نمی خواهیم ولی جهان دیگری که را که می خواهیم چیست، چه مختصاتی دارد و چگونه باید آنرا بدست آورد. شعار "انقلاب، تنها راه حل" (۲) در همه جا حضور داشت اما اینکه اهداف این انقلاب چه باید باشد ذهنهای جستجوگر زیادی را بخود مشغول می کرد.

رزمندگی جوانان "بلک بلوک" چیزهای زیادی برای آموختن داشت. شرکت در چنین جنبشهایی با خصلت رزمنده برای من بسیار مهم بود. ترس از قدرت پلیس و دولت فرو می ریزد جایش را به اعتماد به قدرت خود و مردم می دهد. فهمیدم که پلیس و دولت بیشتر از ما می ترسند تا ما از آنها. وقتی نیروهای پلیس و ارتش با تجهیزات کامل مدام با بیش از دهها فروند هلیکوپتر دور و بر آدمهایی را گرفتند که چیزی جز اراده و آگاهی در دست شان نبود به ترس و هراس بزرگ حافظان این سیستم از مردم پی بردم.

در این مبارزه به اهمیت رابطه با نسل قبلی انقلابی نیز پی بردم. بویژه اینکه در میان ایرانی ها به دلیل سرکوبها و تبعیدها عملاً این ارتباط گسسته شد. هنوز ما با ضرورت

برای ما روز چهارم بسیار پر شور بود چرا که موفقیت بزرگی کسب کردیم و توانستیم پیوند خوبی با مبارزین ضد جی هشت برقرار کنیم.

با روحیه ای بشاش و سرود خوانان راهی کمپ شدیم. در قطار سرود انترناسیونال را بطور جمعی زمزمه کردیم چیزی نگذشت که از گوشه و کنار قطار هر گروهی با زبان خودش با ما همراه شد.

روز پنجم: چهارشنبه ششم ژوئن

این روز، روز بستن همه راهها بسوی هایلیگندام محل اصلی اجلاس سران بود. از قبل قرار بود که همه نیروهای مخالف جی ۸ در مجموعه ای از آکسیونهای مختلف و غیر متمرکز تمامی راههایی که بسوی این منطقه منتهی می شد را اشغال و مسدود کنند تا محل اجلاس را بلوکه کرده و حداقل

مانع عبور چند هزار کارمندی که به این نشست سرویس می دادند بشویم. معمولاً هر یک از هیئت نمایندگی این هشت کشور با انبوهی از کادر و کارمند در این نشست شرکت می کنند.

برای نزدیک شدن به دیوار آهنی که دور محل اجلاس سران هشت کشور کشیده شده بود باید از کوره راهها، راههای جنگلی و بیشه زارها عبور می کردیم. زیرا راههای معمولی توسط پلیس محافظت می شد.

از قبل سه نقطه استراتژیک کنار دیوار مشخص شده بود و قرار بود هر فرد یا گروهی خودش را به یکی از این نقاط برساند. از گوشه و کنار دشت، بیشه و جنگل جمعیت مانند جویبارهای گوناگون به هم پیوسته و در این سه نقطه گرد آمدند. ما نیز به همراه جماعتی دیگر مسیری را انتخاب کردیم و هر طور شده بود خود را به پای دیوار رساندیم. با سایر تظاهرکنندگان خاطره عبور از جنگل و کانالهای آب و گل و لای و از میان صفوف پلیسهای پیاده و سواره (سوار بر اسب، نفر بر، هلی کوپتر) را بر ذهنمان ثبت کردیم.

کنار دیوار از همه سو در محاصره پلیس بودیم، از زمین و هوا. ساعت چهار بعد از ظهر بالاخره گروه ۶۰۰۰ نفره ما توانست ریل قطار و جاده بخش خودمان را مسدود کند. بالای سرمان هفت هلی کوپتر مدام در گردش بود.

عملاً همه مسیرها بسته شد و هیئت نمایندگی های همراه سران هشت کشور باید مخفیانه و دور از چشم جمعیت معترض از راههای مخفی در زمین و آسمان خود را به هتلهاشان می رساندند.

در دو نقطه استراتژیک دیگر هم درگیریهای بین پلیس و جمعیت تظاهرها کننده پیش آمد. پلیس به گروه دلقکها با فشار آب قوی حمله کرد و عده ای صدمه دیدند.

یک نمونه از اعلامیه های تبلیغی پخش شده در مورد جی هشت.

نمونه ای ابتکاری که سرزندگی، شادابی جوانان و زنان مبارز اروپایی را منعکس می کند.

بیانیه پائولا

برگردان آزاد از متن آلمانی - آرزو



روسای دولت های هشت کشور صنعتی بزرگ جهان در اولین هفته ماه ژوئن در "هایلیگندام" کنار دریای شرق همدیگر را ملاقات خواهند کرد. این سران هر ساله یکدیگر را ملاقات می کنند تا برای غارت اقتصاد جهان نقشه بکشند، خصوصی کردن آخرین منابع بهره برداری جهان. اگر جایی هنوز باقی مانده باشد!!!

هیچکس به آنها ماموریت چنین کاری را نداده است، اینها منافع هیچ کس در جهان را نمایندگی نمی کنند، فقط منافع خودشان، هیچکس به اینها حق چنین کارهایی را نداده است، اگرچه آنها هیچگونه مشروعیتی در نزد مردم جهان ندارند، اما متأسفانه اینها فعلاً بقدر کافی قدرت دارند که منافع ابرقدرتها را در مقابل بقیه جهان به کرسی بنشانند.

در طول روزهای ملاقات سران، ما با هزاران نفر، مانع شان می شویم، مزاحم شان می شویم. تناقضات آنها را، سیاستهای جنگ طلبانه شان را افشا می کنیم. نشان می دهیم که اکثریت مردم جهان علیه قیم مآبی و سلطه طلبی آنها هستند. ما نخواهیم گذاشت برنامه های نشست آنطور که می خواهند به پیش رود. ما مانند سیاتل خواهیم کرد. ما همان کاری را می کنیم که در پراگ کردیم. ما پائولا هستیم.

انتقال دانش مبارزاتی صحیح از جانب نسل قدیم و جذب آن توسط نسل جدید دست به گریبانیم. عاملی که برای ترمیم آن باید انرژی مضاعف بکار بریم. هر چند که این رابطه ای یک طرفه نیست و ما نیز چیزهایی داریم که بدانها بیاموزیم. برخورد صحیح به این مسئله راهگشای حل بسیاری از تضادهای میان این دو نسل است.

بیش از هر زمانی به اهمیت داشتن دیدگاه انترناسیونالیستی از مبارزه پی بردم. اینکه دو صف بیشتر در جهان موجود نیست، یک سمت امپریالیستها و مرتجعین رنگارنگند و سمت دیگر اکثریت مردم دنیا که منافع و سرنوشت مشترکی دارند. مبارزه علیه جی هشت به من نشان داد که علیرغم اینکه سران کشورهای امپریالیستی بصورت جهانی برای سرکوب و استعمار تصمیم می گیرند، گورکنان آنها هم مبارزه خود را بصورت جهانی پیش می برند و مبارزه ضد جی هشت یکی از پایه های اصلی این جنبش جهانی است. تبارزی از جهان دیگری است که همه خواهان آن هستیم. نشانه ای از اینکه چگونه انسانهای زیادی از سراسر دنیا علیرغم رنگ و زبان و فرهنگ و ملیت مختلف می توانند گرد هم آیند، و دست در دست همدیگر رویای جهان دیگری را تعبیر کنند. ■

۱. the wall

۲. revolution, only solution

Another Brick in the Wall Part

**We don't need no education
We dont need no thought control
No dark sarcasm in the classroom
Teachers leave them kids alone
Hey! Teachers! Leave them kids alone!
All in all it's just another brick in the wall.
All in all you're just another brick in the wall.**

**We don't need no education
We dont need no thought control
No dark sarcasm in the classroom
Teachers leave them kids alone
Hey! Teachers! Leave them kids alone!
All in all it's just another brick in the wall.
All in all you're just another brick in the wall.**

آیا همگی ما یک کمی پائولا نیستیم؟

جاهای مناسبی قرار می گیرند، دسته جاروب های بلند و لشکرهای جارو بدست، ژیمناستیک بازان خیابانی، والیبال کنار ساحل و ... که در جاهای مناسبی قرار می گیرند. خیلی چیزها قابل تصور است اما تحقق تصورات ما به واقعیت بستگی به توانایی ها، کارایی و عمل مشترک و همینطور خط و مرزهایمان دارد. هرکس که می تواند باید در این آکسیون شرکت کند و جای خود را پیدا کند. این آکسیونها متنوع و رنگارنگ، موثر و همه جانبه خواهند بود.

یک چیز روشن و مشخص است: "نه" به مجموعه روابط و مناسباتی که جی ایت قرار است آنها را تقویت و تحکیم کند. "نه" به قدر کافی روشن و صریح، پر قدرت و بلند که به گوش هر کسی برسد. و بالاخره اینکه همه ما آنجا هستیم چون دیگر حالمان از روابط و نظام حاکم بر جهان بهم می خورد؛ جهان در بست سرمایه داری، استثمار، دستمزدهای بخور و نمیر، خصوصی کردن مایحتاج عمومی مردم، از بین بردن محیط زیست، جنگها، سلطه طلبی و حقوق ویژه غارت برای کشورهای شمال!

ما پائولا و همه خواهرانمان با حداکثر قوای خود در مقابل آنان خواهیم ایستاد: پر قدرت، با توانایی بالا و هراس انگیز!

پائولا و دوستان

پائولا خودش را رقیب نقشه و طرحهایی که ائتلاف کنندگان برای توقف نشست سران ریخته اند نمی بیند بلکه تکمیل کننده این طرحها و نقشه هاست. ما راههای متفاوتی را برای هدفی مشترک دنبال می کنیم، با یک کاسه کردن نیروهایمان مانع ملاقات سران شویم. استراتژی خودساخته آنها را متوقف کنیم. تحقق رویای ما برای جهانی دیگر اینگونه آغاز می شود.

پائولا به شما احتیاج دارد

در آکسیونهای علیه نشست سران در روزهای ۲ تا ۸ ژوئن شرکت کنید، همه دوستان خود را نیز به این مبارزه دعوت کنید، این روزها به خودتان مرخصی بدهید، آگاهی خود را از نشست سران و مبارزه علیه آن بالا ببرید، در مورد آکسیونها این چند روز فکر کنید، اهداف ما از این اعتراض چیست؟ چه دستاوردی خواهیم داشت و چه دستاوردی می توانیم داشته باشیم؟

برای شرکت در اعتراض علیه نشست سران تدارک ببینید، نه فقط تدارک تهیه امکانات برای خودتان، بلکه به فعالان کشورهای دیگر که در جستجوی امکانات برای شرکت در این مبارزه هستند نیز فکر کنید!

گسترده و انبوه بیایید!

سمج و کله شق باشید!

در دل دشمن هراس بیفکنید!

و گیرشان نیفتید!



پائولا همکاری موقت گروهها و افراد منفردی است که هدف شان از کار انداختن ماشین ملاقات سران است. اما همه هدفمان این نیست. ما مخالف همه آن مجموعه ای هستیم که نشست سران هشت کشور صنعتی عملا و سمبلیک معرف آنها هستند.

پائولا سازمان نیست. ایتیکت هم نیست. پائولا یک ایده است. ایده مجموعه ای از آکسیونها و فعالیتها برای بلوک کردن نشست سران در "هایلیگندام". به یک کلام ممانعت از سیاست های سران هشت کشور!

پائولا یک ایده غیر متمرکز است، مجموعه ای از فعالیت های متنوع برای برای بلوک کردن نشست سران. پائولا قبلا هم در این دور و برها بود، پائولا همراه با دوستان زنانش مبتکر ایده های بسیاری هستند، و تا کنون خیلی ها را به آکسیون هایشان جذب کرده اند.

پائولا یک درک همگانی است و معنایش یک آکسیون یا فعالیت ویژه نیست. ایده های مختلفی برای آکسیون آماده کرده و ایده های دیگری هم در سر دارد و البته یک سری دیگر هم در دست تهیه است. باقی ایده ها و نقشه ها را هم خود شما باید برنامه ریزی کنید. چون شماها هم پائولا هستید!

شما همه پائولا هستید

پائولا به همراه هزاران انسان دیگر شکافی است در نظام مسلط بر جهان. پائولا خوشحال است که همراه با دیگر فعالان بین المللی، این آکسیونها را به پیش می برد. پائولا یک تهاجم به نظام مسلط است و نه دفاع در مقابل این سیستم. و در تهاجم علیه سیستم مسلط با فعالان بین المللی همراه است.

پائولا برنامه ریزی می کند که چگونه از این فرصتها و فضاها حداکثر استفاده را بکند. فضاهاهایی که هزاران نفر از مخالفین ملاقات سران با حضور و آمادگی برای آکسیون بوجود آورده اند. پائولا خود را در چهارچوب ممکن ها اسیر نمی کند. پائولا می خواهد ناممکن ها را انجام دهد.

پائولا یک متد مشخص ندارد: از بلوک کردن انسانی تا باریگادسازی، برای درهم شکستن ساختار جی ایت، تظاهراتها، دلقکها و شبکه مقاومتی از نخ و طناب که در